



752
E

نام :

نام خانوادگی :

محل امضاء :



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.
امام خمینی (ره)

آزمون دانش‌پذیری دوره‌های فراگیر «کارشناسی ارشد» دانشگاه پیام نور

فلسفه و کلام اسلامی (کد ۱۳۹)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	منطق قدیم	۱۵	۱	۱۵
۲	فلسفه غرب (۱)	۱۵	۱۶	۳۰
۳	فلسفه اشراق (۱)	۱۵	۳۱	۴۵
۴	فلسفه ملاصدرا (۱)	۱۵	۴۶	۶۰
۵	زبان خارجه	۳۰	۶۱	۹۰

آذر ماه سال ۱۳۹۱

استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

- ۱- صدق و کذب در متصله، متوجه است و اگر اتصال میان مقدم و تالی به خاطر تضایف باشد، است و مؤلف از قضیه و اعم از نقیض آن، نام دارد.
- (۱) اتصال - لزومیه - مانعةالجمع
(۲) اتصال - لزومیه - مانعةالخلو
- ۲- در معدوله، ربط سلب و سالبه از معدوله است و تکثر قضیه، به تکثر می‌باشد.
- (۱) می‌شود - اعم - حکم
(۲) نمی‌شود - اخص - حکم
(۳) نمی‌شود - اعم - حکم
(۴) نمی‌شود - اخص - اجزای قضیه
- ۳- در صورت اختصاص موضوع حملیه به بعض معین، است و در طبیعیه، عروض کلیت اعتبار و اهمال شرطیه، به اهمال است.
- (۱) جزئیه - نمی‌شود - سور آن
(۲) جزئیه - می‌شود - احوال و اوقات
(۳) شخصی - می‌شود - احوال و اوقات
(۴) شخصی - نمی‌شود - احوال و اوقات
- ۴- دو قضیه که فقط در صدق جمع نمی‌شوند، و تناقض شخصیات، آن‌هاست و دو مهمله که فقط در کیف اختلاف دارند،
- (۱) متضادند - تقابل - داخل تحت تضادند
(۲) متضادند - تضاد - متقابل نیستند
(۳) داخل تحت تضادند - تضاد - متضادند
(۴) متناقضند - تضاد - متضادند
- ۵- در عکس بقای جهت و کذب قضیه، و در لزوم صدق آن، صدق اصل شرط
- (۱) هر دو شرط است - نیست
(۲) هیچ یک شرط نیست - است
(۳) هیچ یک شرط نیست - نیست
(۴) به ترتیب، اولی شرط نیست و دومی شرط است - است
- ۶- نتیجه‌ی ضروب اول شکل‌های دوم، سوم و چهارم قیاس اقترانی به ترتیب عبارتند از و
- (۱) سالبه‌ی کلیه - موجهه‌ی جزئیه - موجهه‌ی جزئیه
(۲) سالبه‌ی جزئیه - موجهه‌ی کلیه - موجهه‌ی جزئیه
(۳) سالبه‌ی کلیه - سالبه‌ی جزئیه - موجهه‌ی جزئیه
(۴) سالبه‌ی کلیه - موجهه‌ی جزئیه - موجهه‌ی کلیه
- ۷- اثبات همه‌ی ضروب شکل سوم قیاس اقترانی با استفاده از دلایل عکس، افتراض و خلف به ترتیب و است.
- (۱) ممکن - ممکن - ممکن
(۲) ممکن - غیر ممکن - غیر ممکن
(۳) ممکن - غیر ممکن - امکان‌پذیر
(۴) غیر ممکن - غیر ممکن - امکان‌پذیر
- ۸- قیاس استثنایی از اقسام قیاس‌های بسیط و با متصله‌ی جزئیه، ممکن تشکیل شود و انتاج آن با منفصله‌ی غیر حقیقیه، می‌باشد.
- (۱) است - است - با استثنای نقیض یا عین اجزای منفصله
(۲) است - نیست - با استثنای نقیض و عین اجزای منفصله
(۳) است - نیست - با استثنای نقیض یا عین اجزای منفصله
(۴) نیست - نیست - با استثنای نقیض و عین اجزای منفصله
- ۹- در قیاس اقترانی، در صورت کذب دو مقدمه، ممکن نتیجه صادق باشد و در قیاس دور
- (۱) است - نتیجه با یکی از مقدمات قیاسی که از آن منتج شده، یا عکس آن‌ها، تألیف می‌شود.
(۲) است - نقیض یا ضد نتیجه با یکی از مقدمات قیاسی که از آن منتج شده، تألیف می‌شود.
(۳) نیست - نتیجه با یکی از مقدمات قیاسی که از آن منتج شده یا عکس آن‌ها تألیف می‌شود.
(۴) نیست - نقیض یا ضد نتیجه با یکی از مقدمات قیاسی که از آن منتج شده، تألیف می‌شود.
- ۱۰- یکی از اقسام قیاس مقسم، است و تمثیل عبارتست از استدلال به
- (۱) استقراء ناقص - خاص بر عام
(۲) استقراء تام - یکی از دو امر مساوی بر دیگری
(۳) قیاس خلف - یکی از متساویین بر دیگری
(۴) استقراء اعم از تام یا ناقص - یکی از دو امر مساوی بر دیگری
- ۱۱- در مورد اصول مطالب می‌توان گفت:
- (۱) یک مورد از آن‌ها به مقام تصور و دو مورد دیگر به تصدیق مربوط می‌شوند.
(۲) همگی مربوط به تصورند، زیرا فقط پس از وضوح تصور، مطالب مربوط به تصدیق شکل می‌گیرند.
(۳) تقدم و تأخری بر یکدیگر ندارند، اما معمولاً برخی از آن‌ها در ذهن زودتر مورد جستجو واقع می‌شوند.
(۴) علاوه بر هستی و چیستی، ویژگی‌های هر چیز را مورد پرسش قرار می‌دهند.
- ۱۲- کدام عبارت در مورد برهان درست نیست؟
- (۱) مقدمات قیاس، ضرورتاً باید یقینی باشند یا به یقینات منتهی شوند.
(۲) با توجه به حد برهان می‌توان گفت مصادیق آن اخص از مصادیق قیاس هستند.
(۳) صورت آن، ضرورتاً باید یکی از اقسام استدلال، مانند قیاس، استقراء یا تمثیل باشد.
(۴) حد آن، سه علت از علل چهارگانه را متذکر شده که عبارتند از صوری، مادی و غایی.

- ۱۳- عمده‌ی مبادی برهان هستند و اوسط در برهان لمّ، علت است.
 (۱) اولیات - خود اکبر
 (۲) اولیات - حکم اکبر بر اصغر
 (۳) قضایای واجب القبول - خود اکبر
 (۴) قضایای واجب القبول - حکم اکبر بر اصغر
- ۱۴- کدام عبارت در مورد اصول متعارفه درست نیست؟
 (۱) به اعتبار دیگری اصول موضوعه یا مصادرات نامیده می‌شوند.
 (۲) ممکن است اصولاً بی نیاز از هر گونه اثبات و توضیح باشند.
 (۳) قسمتی از مبادی علم هستند که توضیح و اثبات آن‌ها اصولاً ممکن نیست.
 (۴) قضایایی هستند که در هر علم پذیرفته شده و ممکن است در علم دیگر اثبات شوند.
- ۱۵- تعویض جزئی از قضیه با ملزوم آن، مغالطه‌ی
 (۱) سوء تألیف نام دارد که از مغالطات معنوی است.
 (۲) سوء اعتبار حمل نام دارد که نوعی مغالطه‌ی معنوی است.
 (۳) اخذ ما بالعرض به جای ما بالذات نام دارد که مغالطه در لفظ مرکب است.
 (۴) اخذ ما بالعرض به جای ما بالذات نام دارد که نوعی مغالطه‌ی معنوی است.
- فلسفه غرب (۱)
-
- ۱۶- تلاش کانت در نظریه‌ی معرفتش، و لازمه‌ی آن بود.
 (۱) کشف حقیقت - اعتبار معرفت‌شناسی
 (۲) توجیه اعتبار شناخت - بی‌اعتباری مابعدالطبیعه
 (۳) توجیه اعتبار شناخت - اعتبار نوعی مابعدالطبیعه
 (۴) تحلیل شناخت و کیفیت آن - بی‌اعتباری مابعدالطبیعه‌ی کلاسیک
- ۱۷- به اعتقاد کانت، مکان
 (۱) شرط لازم هر نوع مشاهده و تجربه‌ی حسی است.
 (۲) مفهومی عقلی است که هیچ ما بازای خارجی ندارد.
 (۳) مفهومی تجربی است که حاصل شهود و تحلیل استعلایی است.
 (۴) مفهومی است که مکان اشیا و اجسام، مصادیق آن هستند.
- ۱۸- مقولات ریاضی و مقولات دینامیکی در اصطلاح کانت، به ترتیب عبارتند از و
 (۱) نسبت و جهت - کمیت و کیفیت
 (۲) کمیت و جهت - نسبت و کیفیت
 (۳) کمیت و کیفیت - نسبت و جهت
 (۴) کمیت و نسبت - جهت و کیفیت
- ۱۹- کدام عبارت در مورد منطق استعلایی کانت درست نیست؟
 (۱) به شرایط استفاده از مفاهیم فاهمه توجه دارد.
 (۲) ماهیت و اعتبار استفاده از مفاهیم پیشینی را بررسی می‌کند.
 (۳) می‌کوشد تا با تحقیق در صورت احکام، مقولات فاهمه را کشف کند.
 (۴) غرض آن استنتاجات سازگار منطقی است که می‌توان از قضایا به دست آورد.
- ۲۰- مسئله‌ی کانت در استنتاج استعلایی، مسئله‌ی است و نخستین مرحله در این راه، است و مفهوم شیء، حاصل انتزاع
 (۱) واقع - تمثلات متکثر - است
 (۲) واقع - وحدت آگاهی - نیست
 (۳) واقع - تمثلات متکثر - نیست
 (۴) حق - تمثلات متکثر - نیست
- ۲۱- از نظر کانت منشا است و واسطه‌ی آن‌هاست.
 (۱) تجربه - مقولات - زمان
 (۲) مقولات - تجربه - مکان
 (۳) مقولات - تجربه - زمان
 (۴) مقولات - تجربه - صورت خیالی
- ۲۲- کدام عبارت درباره‌ی «اصول موضوعه‌ی تفکر تجربی»، درست نیست؟
 (۱) ناظر به شرایط تجربه هستند.
 (۲) مفاهیم امکان، وقوع و وجوب را توضیح می‌دهند.
 (۳) شرایطی را که تحت آن می‌توان اشیا را ممکن دانست، نشان می‌دهند.
 (۴) مطابق با آن‌ها، در جهان چیزی نیست که در آن واحد ممکن و ضروری نباشد.
- ۲۳- منظور کانت از مغالطه‌ی استعلایی، خطایی است که
 (۱) صرفاً ماهیت صوری دارد.
 (۲) برخاسته از طبیعت عقل است.
 (۳) عقل می‌تواند از آن دوری کند.
 (۴) گمراهی به واسطه‌ی آن، گریزناپذیر است.

- ۲۴- در نظام کانتی، مبنای مغالطات، تعارضات و کلام استدلالی به ترتیب عبارتند از قیاس‌های: و و
 (۱) اقترانی - انفصالی - شرطی (۲) اقترانی - شرطی - انفصالی (۳) انفصالی - شرطی - اقترانی (۴) شرطی - انفصالی - اقترانی
- ۲۵- با توجه به تأثیرات و آرای دکارت، کدام عبارت درست نیست؟
 (۱) از نظر وی، عقل میان همه‌ی انسان‌ها به طور مساوی تقسیم شده است.
 (۲) وی در بنای فلسفه‌ی خود، بداهت روش ریاضی را فرض گرفته بود.
 (۳) افکار وی در انتقال از قرون میانه و عصر نوزایی به عصر جدید بیشترین اثر را داشته است.
 (۴) وی عملاً نشان داد که با سقوط فلسفه‌ی قرون وسطی، باز هم تفکر فلسفی سازنده امکان‌پذیر است.
- ۲۶- با توجه به روش و نظام دکارتی، که نیز از پیروان آن بود، تعبیر اصالت مناسب‌تر از اصالت است.
 (۱) اسپینوزا - روح - ذهن (۲) جان لاک - روح - ذهن (۳) جان لاک - ذهن - روح (۴) مالبرانش - ذهن - روح
- ۲۷- فلسفه‌ی اسپینوزا را می‌توان نامید و از نظر مالبرانش، عالم خارج
 (۱) مذهب اصالت طبیعت - اصولاً قابل اثبات نیست.
 (۲) مذهب اصالت طبیعت - از طریق ذهن اثبات می‌شود.
 (۳) اصالت موازات متافیزیکی - اصولاً قابل اثبات نیست.
 (۴) اصالت موازات فیزیکی - از طریق ذهن اثبات می‌شود.
- ۲۸- غرض اصلی دکارت از اثبات وجود عالم خارج، بیشتر این بود که
 (۱) وجود چیزی در خارج از ذهن را اثبات کند
 (۲) نشان دهد در خارج از ذهن، چیزی جز امتداد وجود ندارد
 (۳) با استفاده از روش هندسی، ثابت کند که اجسام هم وجود دارند
 (۴) اثبات کند که خداوند با ایجاد توهم در ذهن انسان، او را فریب نداده است
- ۲۹- با توجه به مبانی و لوازم فلسفه‌ی دکارت، خدا جوهری است که
 (۱) فقط در مابعدالطبیعه نقش دارد.
 (۲) علت واقعی تغییرات طبیعی است.
 (۳) هیچ نقشی در نظام فکری او ندارد.
 (۴) دو جوهر امتداد و ذهن را ابقاء می‌کند.
- ۳۰- از نظر دکارت، حرکت مولود امتداد و هیوم را بیشتر باید دنبال‌رو دانست.
 (۱) است - لاک (۲) است - مالبرانش (۳) نیست - مالبرانش (۴) نیست - لاک

فلسفه اشراق (۱)

- ۳۱- با توجه به نظرات شیخ اشراق، کدام عبارت در مورد جواهر غاسق درست نیست؟
 (۱) جواهر غاسق، از حیث حقیقت برزخی خود، الویتی بر یکدیگر ندارند.
 (۲) جوهریت غواسق، اعتباری عقلی و غاسقیت آن‌ها، امری عدمی است.
 (۳) امور ظلماتی، مانند خصوصیات و اشکال جواهر غاسق، خارج از ذات آن‌ها نیست.
 (۴) جواهر، آن است که مورد اشاره حسی قرار می‌گیرد و غاسق آن است که در ذات خود مظلّم است.
- ۳۲- از نظر شیخ اشراق، ادراک ذات مختص به می‌باشد و تفاوت اساسی ادراک ذات و ادراک غیر، در است.
 (۱) جواهر غیر ظلمانی - موضوع ادراک
 (۲) نور محض - امکان یا عدم امکان وجود واسطه
 (۳) جواهر و هیئات نورانی - موضوع ادراک
 (۴) نور محض و هیئات نورانی - امکان یا عدم امکان واسطه
- ۳۳- مطابق آراء شیخ اشراق، مدرکیت موجودِ مُدرک، ذات اوست.
 (۱) عین (۲) تابع (۳) جزء (۴) از صفات
- ۳۴- به اعتقاد سهروردی نور فی نفسه‌ی لغیره، مُدرک و اختلاف مجردات در نوع و جسم از جسم ایجاد شود.
 (۱) است - نیست - نمی‌تواند
 (۲) است - است - نمی‌تواند
 (۳) نیست - نیست - نمی‌تواند
 (۴) نیست - است - می‌تواند
- ۳۵- مطابق آرای شیخ اشراق، اساس وحدانیت نورالانوار، اوست و واجد هیئت نوری باشد.
 (۱) بساطت - نمی‌تواند (۲) نوریت - می‌تواند (۳) غنای - نمی‌تواند (۴) وجوب ذاتی - می‌تواند
- ۳۶- حصول دو نور از نورالانوار ممکن و کمال و نقص انوار مجرد به باز می‌گردد و کمال نورالانوار، علت
 (۱) است - ذات آن‌ها - ذاتی دارد (۲) نیست - ذات آن‌ها - ندارد
 (۳) نیست - ذات آن‌ها - ذاتی دارد (۴) نیست - رتبه‌ی فاعل آن‌ها - ندارد
- ۳۷- نورالانوار، ماهیت نوری و رتبه‌ی قابل، ممکن سبب شدت و ضعف انوار مجرد باشد و در انوار عارضه است.
 (۱) دارد - نیست - امکان‌پذیر
 (۲) ندارد - نیست - امکان‌پذیر
 (۳) ندارد - نیست - نیز چنین
 (۴) ندارد - است - نیز چنین

- ۳۸- منظور فهلویون از «بهمن»، است که فی نفسه می باشد و انوار مجرد از نورالانوار منفصل
 (۱) نوراقرب - فقیر - نیستند
 (۲) نوراقرب - غنی - نیستند
 (۳) نوراقرب - فقیر - هستند
 (۴) نور مجرد - غنی - نیستند
- ۳۹- مطابق نظرات شیخ اشراق محدود الجهات وجود و مکان عبارتست از
 (۱) ندارد - صورت جسم
 (۲) ندارد - هیولای جسم
 (۳) ندارد - یک امر وهمی که حقیقت عینی ندارد
 (۴) دارد - سطح درونی جسم حاوی که مماس بر سطح بیرونی جسم محوی است
- ۴۰- مطابق نظرات شیخ اشراق، ابصار عبارتست از
 (۱) خروج شعاع از چشم و تلاقی با شی مرئی
 (۲) انطباع صورت شی مرئی بر جلیدیهی چشم
 (۳) اشراق نفس برشی مرئی در صورت عدم حجاب
 (۴) خروج شعاع از چشم و انطباع صورت مرئی بر جلیدیه
- ۴۱- اشراق انوار مجرد، مشاهدهی آن هاست و نور عالی نسبت به نور سافل دارد و همهی انوار سافله، نورالانوار را مشاهده
 (۱) غیر از - قهر - می کنند
 (۲) غیر از - عشق - می کنند
 (۳) غیر از - عشق - نمی کنند
 (۴) همان - عشق - می کنند
- ۴۲- ارباب اصنام، در اصنام خود مستقیماً تصرف و نهایت نقص در سلسلهی مترتبات، است.
 (۱) می کنند - عدم اقتضاء شی
 (۲) نمی کنند - عدم اقتضاء شی
 (۳) می کنند - اقتضاء عدم شی
 (۴) نمی کنند - اقتضاء عدم شی
- ۴۳- صفات حقیقی در ذات نورالانوار تقرر و علم او به ذات، است.
 (۱) دارند - همان نورانیت
 (۲) ندارند - همان نورانیت او
 (۳) دارند - عدم غیبت او از ذات خود
 (۴) ندارند - عدم غیبت او از ذات خود
- ۴۴- منظور از انسان عقلی در زبان شیخ اشراق
 (۱) نور قاهری است که فیض او نسبت به افراد انسان مساوی است
 (۲) انسان کلی است به این معنا که محمول بر افراد مختلف انسان است
 (۳) تصور عقلی معنای انسان است که افراد مختلف انسان را در بر می گیرد
 (۴) رب النوع انسان است که نسبت او به افراد انسان یکسان نیست
- ۴۵- با توجه به آراء شیخ اشراق، عقول و نفوس به ترتیب آثار و دارند و معتقدین به مثل افلاطونی، برای هر چیز، قائل به مثال
 (۱) متناهی - متناهی - بودند
 (۲) نامتناهی - متناهی - بودند
 (۳) نامتناهی - نامتناهی - نبودند
 (۴) نامتناهی - متناهی - نبودند

فلسفه ملاصدرا (۱)

- ۴۶- با توجه به آراء ملاصدرا، کدام عبارت درست است؟
 (۱) لوازم وجود، بر حسب درجانشان، ممکن است کلی یا جزئی باشند.
 (۲) تصور وجود، با حد و رسم ممکن نیست، اما اقامهی برهان بر آن می توان کرد.
 (۳) برخلاف نظر شیخ اشراق، وجود امری اصیل، مقدم بر ماهیت و مؤثر بر آن می باشد.
 (۴) وجود، امری شخصی و متشخص بالذات است، بنابراین ممکن نیست موجودات مختلف الحقایق باشند.
- ۴۷- به اعتقاد ملاصدرا، نسبت وجود و ماهیت در یک موجود
 (۱) شبیه نسبتی است که اعراض در ذهن، با موضوعاتشان دارند.
 (۲) شبیه نسبتی است که اعراض در عالم عین، با موضوعاتشان دارند.
 (۳) درست مانند نسبتی است که صورت و ماده در مرکب دارند.
 (۴) به نسبت میان صورت و ماده شباهت بیشتری دارد تا نسبت میان موضوع و عرض.
- ۴۸- بهترین پاسخ به اشکالی که با توجه به قاعدهی فرعیت متوجه اصالت وجود می شود، این است که:
 (۱) ثبوت وجود برای یک ماهیت خاص، مستلزم وجود ماهیت است.
 (۲) قاعدهی فرعیت در مورد سایر صفات شی مصداق دارد، نه در مورد وجود.
 (۳) موجود، چیزی جز وجود نیست و اتصاف ماهیت به وجود، موضوعیت ندارد.
 (۴) وجود هر ماهیتی، موجودیت همان ماهیت است که با موجودیت اعراض برای جوهر متفاوت است.

- ۴۹- کدام عبارت درباره‌ی موضوع و مسائل حکمت الهی صحیح نیست؟
 (۱) موضوع اصلی آن وجود حق است.
 (۲) اثبات مقولات از مطالب این علم است.
 (۳) از مسائل آن، صفات و افعال الهی است.
 (۴) اثبات موضوع آن، در علم دیگر امکان‌پذیر نیست.
- ۵۰- منظور از «عوارض ذاتی» که در موضوع علم از آن سخن می‌رود،
 (۱) خارج محمول است، که فقط بالذات ممکن است به موضوع نسبت داده شود.
 (۲) محمولی است که به واسطه‌ی امری مساوی موضوع، به آن ضمیمه می‌شود.
 (۳) محمولی است که به ذات موضوع یا عوارض آن ضمیمه شده و به آن نسبت داده می‌شود.
 (۴) خارج محمول است، که بالذات یا به واسطه‌ی امری مساوی، به موضوع نسبت داده می‌شود.
- ۵۱- به اعتقاد ملاصدرا، وقوع حرکت در مقوله‌ی محال است و عدم قبول ضد و نسبت ناپذیری، به ترتیب ویژگی مقولات و می‌باشد.
 (۱) اضافه - جوهر - کیف (۲) متی - کم - کیف (۳) وضع - کم - کیف (۴) ان یفعل - وضع - کم
- ۵۲- مشهورترین دلیل حکما برای اثبات وجود ذهنی عبارت است از:
 (۱) قدرت نفس بر ایجاد صور اشیاء در ذهن.
 (۲) قدرت انسان بر تصور معانی جسمی و نوعی.
 (۳) وجود صور اشیاء موجود یا غیر موجود در ذهن.
 (۴) احکام ثبوتی در مورد اشیایی که وجود خارجی ندارند.
- ۵۳- منظور از وحدت موضوع، که یکی از شروط تناقض است، وحدت
 (۱) جسمانی است که با کثرت سازگار نیست.
 (۲) عقلی است که از جهاتی در مقابل وحدت جسمانی قرار دارد.
 (۳) جسمانی و وحدت عقلی است که هیچ یک با کثرت سازگار نیست.
 (۴) عقلی است که با وحدت جسمانی و وضعی تفاوت اساسی ندارد.
- ۵۴- به اعتقاد ملاصدرا، نفس انسان نسبت به صور عقلی انواع اصیل جوهری
 (۱) بیشتر به فاعل مخترع شبیه است تا به قابل متصف.
 (۲) قابلی است که انوار آن‌ها را، به طور کامل دریافت می‌کند.
 (۳) فاعلی است که آن صور را، مثال آن چه در خارج هست، ایجاد می‌کند.
 (۴) شاهدی است که هریک را به جزئیات متعدد همان نوع نسبت می‌دهد.
- ۵۵- به اعتقاد ملاصدرا امکان، مناط تعلق به غیر و در مورد خداوند، علم تابع معلوم، مصداق و علم الهی به جزئیات مادی
 (۱) است - دارد - همان عنایت ازلی اوست
 (۲) نیست - دارد - عین وجود آن‌هاست
 (۳) نیست - ندارد - همان عنایت ازلی اوست
 (۴) نیست - ندارد - عین وجود آن‌هاست
- ۵۶- از قاعده‌ی فرعیت می‌توان نتیجه گرفت که
 (۱) تعلق به جاعل، نمی‌تواند صفتی زائد بر ذات مجعول باشد.
 (۲) معلول هویتی غیر از هویت علت خود ندارد.
 (۳) ذات معلول، عین وجود او نیست.
 (۴) ذات معلول، فرع وجود اوست.
- ۵۷- علل قوام عبارتند از و ماهیت غایت،
 (۱) فاعل و صورت - معلول فاعل است.
 (۲) فاعل و غایت - معلول فاعل نیست.
 (۳) ماده و صورت - معلول فاعل نیست.
 (۴) ماده و صورت - معلول فاعل است.
- ۵۸- ماده نسبت به صورت است و صورت نسبت به ماده و مرکب، به ترتیب و شمرده می‌شود.
 (۱) عنصر یا موضوع - مبداء صوری - مبداء فاعلی
 (۲) عنصر یا موضوع - مبداء فاعلی - مبداء صوری
 (۳) علت مادی - مبداء فاعلی - مبداء صوری
 (۴) علت مادی - مبداء صوری - مبداء فاعلی
- ۵۹- در موجوداتی که دارای همه علل چهارگانه هستند،
 (۱) صورت و ذات یکی است.
 (۲) علوم مفارقات بحث و بررسی می‌کند.
 (۳) دو برهان لمی به دو طریق امکان‌پذیر است.
 (۴) سوال از ما هو همان سوال از لم هو است.
- ۶۰- مبدأ فاعلی، نسبت به خود وجودی که افاضه می‌کند است و صورت، در تمام حقیقت است و ماده‌ی شی، از حیث مادیت دارای است.
 (۱) فاعل - موجود، اعم از مفارق و مادی - ابهام
 (۲) مقوم - موجود، اعم از مفارق و مادی - ابهام
 (۳) فاعل - موجود مفارق نه مادی - تعیین
 (۴) مقوم - موجود مفارق نه مادی - تعیین

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence, and then mark the correct choice on your answer sheet.

- 61- Philosophy should make clear and delimit sharply the thoughts which otherwise were -----.
- 1) opaque 2) ultimate 3) subsequent 4) comparative
- 62- His book misses the very ----- of what Eastern religion is about.
- 1) essence 2) conjecture 3) regulation 4) disposition
- 63- A symbol does not mean that it symbolizes in ----- of a logical relation alone.
- 1) genus 2) virtue 3) dimension 4) substance
- 64- A thing that has nothing added to it can be understood in this way that its notion ----- any addition.
- 1) attributes 2) denotes 3) precludes 4) projects
- 65- The area has now been formally ----- as a site of a new institute of philosophy.
- 1) grounded 2) perpetuated 3) enlightened 4) designated
- 66- It takes its principles not from sciences, but immediately from God, by -----.
- 1) propositions 2) interventions 3) revelations 4) representations
- 67- From effects not ----- to the cause, no perfect knowledge of that cause can be obtained.
- 1) prudent 2) speculative 3) differentiated 4) proportionate
- 68- The first ----- of an ideal language would be one name for every simple.
- 1) extension 2) requisite 3) sensibility 4) engagement
- 69- In order to support his doctrine, the scientist ----- its main presuppositions.
- 1) underlay 2) expounded 3) exceeded 4) extinguished
- 70- The right method for teaching philosophy would be to ----- oneself to principles of the sciences.
- 1) clarify 2) confine 3) advocate 4) illuminate

PART B: Cloze Test

Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space, and then mark the correct choice on your answer sheet.

On this point there have been three errors. Some have affirmed that God is the world – soul, as (71) ----- Augustine. This is practically the same as the opinion (72) ----- assert that God is the soul of the highest heaven. Again, (73) ----- said that God is the formal principle of all things; and (74) ----- the theory of the Almaricians. The third error is that of David of Dinant, who most foolishly taught that God was prime matter. Now all these (75) ----- manifest untruth, since it is not possible for God to enter into the composition of anything, either as a formal or a material principle.

- 71- 1) it clears 2) are clearly 3) is clear from 4) they are clearly from
- 72- 1) which 2) which they 3) of those to 4) of those who
- 73- 1) those who 2) others have 3) another has 4) the other has
- 74- 1) this was 2) who formed 3) those formed 4) it was that of
- 75- 1) contain 2) containing 3) who contain 4) which contain

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following passages and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4), and then mark the correct choice on your answer sheet.

PASSAGE 1:

Let us now take up another subject – that of names. In Wittgenstein's theoretical logical language, names are only given to simples. We do not give two names to one thing, or one name to two things. There is no way whatever, according to him, by which we can describe the totality of things that can be named, in other words, the totality of what there is in the world. In order to be able to do this we should have to know of some property which must belong to every thing by a logical necessity. It has been sought to find such a property in self-identity, but the conception of identity is subjected by Wittgenstein to a destructive criticism from which there seems no escape. The definition of identity by means of the identity of indiscernibles is rejected, because the identity of indiscernibles appears to be not a logically necessary principle. According to this principle x is identical with y if every property of x is a property of y , but it would, after all, be logically possible for two things to have exactly the same properties. If this does not in fact happen that is an accidental characteristic of the world, not a logically necessary characteristic, and accidental characteristics of the world must, of course, not be admitted into the structure of logic. Wittgenstein accordingly banishes identity and adopts the convention that different letters are to mean different things. In practice, identity is needed as between a name and a description or between two descriptions. It is needed for such propositions as "Socrates is the philosopher who drank the hemlock," or "The even prime is the next number after 1." For such uses of identity it is easy to provide on Wittgenstein's system.

- 76- The passage is mainly concerned with -----.
- 1) conceptions of identity
 - 2) The name of subjects in logic
 - 3) Wittgenstein's language of logic
 - 4) identity and name description
- 77- The word "banish" (line 14) is closest in meaning to -----.
- 1) limit
 - 2) reject
 - 3) criticize
 - 4) recognize
- 78- The word "this" (line 5) refers to -----.
- 1) one thing
 - 2) one name
 - 3) having a name
 - 4) describing the totality of things
- 79- A logically necessary principle -----.
- 1) claims that two things may share the same properties
 - 2) regards every x to be the same as y
 - 3) is considered to be indiscernible
 - 4) is based on Socrates' ideas
- 80- According to the passage, it is true that -----.
- 1) there is only one name for all simples
 - 2) a description can be related to a name
 - 3) Wittgenstein was a follower of Socrates
 - 4) a name completely reflects the properties of a thing

PASSAGE 2:

Since likeness is based upon agreement or communication in form, it varies according to the many modes of communication in form. Some things are said to be like which communicate in the same form according to the same notion, and according to the same measure, and these are said to be not merely like, but equal in their likeness; as two things equally white are said to be alike in whiteness. And this is the most perfect likeness. In another way, we speak of things as alike which communicate in form according to the same notion, though not according to the same measure, but according to more or less, as something less white is said to be like another thing more white. And this is imperfect likeness. In a third way some things are said to be alike which communicate in the same form, but not according to the same aspect, as we see in non-univocal agents. For since every agent reproduces itself so far as it is an agent, and everything acts according to the manner of its form, the effect must in some way resemble the form of the agent. If therefore the agent is contained in the same species as its effect, there will be a likeness in form between that which makes and that which is made, according to the same aspect of the species; as man reproduces man. If however the agent and its effect are not contained in the same species, there will be a likeness, but not according to the aspect of the same species: as things generated by the Sun's power may be in some sort spoken of as like the Sun, not as though they received the form of the Sun in its specific likeness, but in its, generic likeness.

Therefore if there is an agent not contained in any genus, its effects will still more distantly reproduce the form of the agent, not, that is, so as to participate in the likeness of the agent's form according to the same specific or generic aspect, but only according to some sort of analogy; as being is common to all. In this way the things that are from God, so far as they are beings, are like God as the first and universal principle of all being.

- 81- The second mode of communication in form -----.**
- | | |
|--|---------------------------------|
| 1) ignores likeness | 2) is based on notion |
| 3) makes a distinction between species | 4) primarily refers to measures |
- 82- According to the passage, likeness -----.**
- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| 1) is a reason for reproduction | 2) depends on the Sun's power |
| 3) is limited to certain agents | 4) can be based on equality |
- 83- The author refers to the notion of whiteness to -----.**
- | | |
|-------------------------------|------------------------------------|
| 1) introduce a color | 2) explain a perfect color |
| 3) exemplify one of the modes | 4) explain how colors are produced |
- 84- The word "resemble" in the first paragraph means -----.**
- | | | | |
|------------|--------------|------------|--------------|
| 1) be like | 2) belong to | 3) include | 4) relate to |
|------------|--------------|------------|--------------|
- 85- The best title for the passage is -----.**
- | | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| 1) Aspects of Species | 2) Imperfect Likeness |
| 3) Factors Affecting Likeness | 4) Modes of Color Communication |

PASSAGE 3:

As was said above, the species is determined relative to the genus through form, while the individual is determined relative to the species through matter. That is why it is necessary that the term signifying that from which the nature of the genus is derived, prescinding from the determinate form completing the species, signify the material part of the whole. as for example the body is the material part of man. On the contrary. the term signifying that from which the nature of the species is derived, prescinding from designated matter, signifies the formal part. For this reason 'humanity' is a term signifying a certain form, called the form of the whole. Not indeed that it is something as it were added to the essential parts, form and matter, as the form of a house is added to its integral parts; but it is the form which is the whole, embracing both form and matter, but prescinding from those factors which enable matter to be designated.

It is clear, then, that the essence of man is signified by the two terms 'man' and 'humanity', but in different ways, as we have said. The term 'man' expresses it as a whole, because it does not prescind from the designation of matter but contains it implicitly and indistinctly, as we said the genus contains the difference. That is why the term 'man' can be predicated of individuals. But the term 'humanity' signifies the essence of man as a part, because its meaning includes only what belongs to man as man, prescinding from all designation of matter. As a result it cannot be predicated of individual men. Because of this the term 'essence' is sometimes attributed to a thing and sometimes denied of it: we can say 'Socrates is an essence' and also 'the essence of Socrates is not Socrates'.

- 86- **The second paragraph is mainly concerned with -----.**
1) the essence of species
2) the two features of humanity
3) different ways of man's life
4) the distinction between two terms
- 87- **The word 'signify' (line 4) means -----.**
1) tend
2) show
3) design
4) include
- 88- **The word 'it' 'as underlined refers to -----.**
1) man
2) matter
3) essence
4) humanity
- 89- **The paragraph immediately before this passage is most probably about -----.**
1) types of species
2) determining matter
3) genus and individual
4) relative nature of man
- 90- **According to the passage, it is true that -----.**
1) the term 'man' does not include matter
2) humanity is related to a particular form
3) 'essence' cannot be used to characterize a thing
4) an individual is related to genus rather than species